

# ۱۰٪ قبولی آفت تحصیلی نیست؟!!

نویسنده این مقاله کسی نیست که کنار گود پر کشاکش آموزش و پرورش نشسته باشد و از سر بی خیالی، و غیر مسؤولانه فریاد بزند، نکش کن! او علاوه بر مسؤولیت اداری، کارشناس آموزش و مدیریت نیز هست و کمبودها و تنگناها را از نزدیک، روزانه و با تمام وجود لمس و حس می کند. نویسنده بنا دارد معضلات و تنگنای آموزش و پرورش ایران را در هزار، آیزود، به تبارش بکشد. شش، آیزود، را در شماره های گذشته این ماهنامه ارائه کرده ایم، و اینک دو آیزود، دیگر را برای آگاهی آنان که می دانند (آینده در گروی موفقیت در آموزش، و پرورش، است) ممنکس می کنیم. بکنه، آیزود، مربوط است به ریشه یابی علت آفت تحصیلی در ایران که معاون وزیر آموزش به شرحی که در شماره گذشته چاپ شد خواهان پی گیری آن شده است. و این البته، سوای گزارشی تحقیقی و تحلیلی است که ماهنامه خود دست در کار تهیه و تدوین آن است و در آینده ارائه خواهد شد.

آموزشی، فکر می کنیم فرآیند آموزش باید پس از اتمام امتحانات و اخذ نتایج بررسی شود. «کنترل» را به معنای مچ گیری و عیب جویی پایان فرآیند تلقی می کنیم که نتیجه آن قبل از هرگونه اصلاح، برخورد و بازخواست معلمان است و بس. در نظام آموزشی ما، هنوز مورد قبول واقع نشده که لحظه - لحظه عملیات آموزش مورد کنترل، آن هم به معنای اسلامی آن، یعنی هدایت و اصلاح حرکت، قرار گیرد! همواره عادت کرده ایم که بعد از اتمام کارها، به فکر چاره باشیم و در این حالت، نیز، اغلب مجبور خواهیم بود عنوان کنیم: «امسال که کار از کار گذشته، انشا... برای سال بعد، برنامه ریزی می کنیم!» و سال بعد نیز، به هنگام اول سال تحصیلی، چون مشکل، حاد نیست و از همه مهمتر نتایج در دسترس نیست، آن را به حال خود رها می کنیم.

سخن نهایی در این بخش آن است که «کنترل کیفیت آموزشی» باید به عنوان یک فرآیند فراگیر و همه جانبه از بدو ورود دانش آموز به مدرسه تا خروج او از نظام آموزشی را زیر کنترل هدایتی خود بگیرد و لحظه ای از آن غفلت نورد.

۲. معاون آموزشی استان مرکزی، مثل خیلی از مدیران اجرایی آموزش و پرورش، بدون هیچگونه تحقیق و کسب نتایج آماری و بدون در نظر گرفتن سیستمی بودن نظام تعلیم و تربیت، چند دلیل عمده را برای آفت تحصیلی (که باید برای مزید اطلاع ایشان بگوئیم منظور از آفت تحصیلی در علوم برنامه ریزی آموزشی، میزان ترک تحصیل کنندگان و خارج شوندگان از سیستم است، نه تجدید شوندگان و حتی مردودین) اقامه می کنند که بسیاری از آن ها به آسانی قابل رد شدن است. آیا چند شیفته بودن و کمبود فضای آموزشی در استان محروم کردستان و ایلام بیشتر قابل لمس است یا این استان؟ آیا کمبود دبیران متخصص فقط درد این استان است یا همه استانها با آن گریبانگیر هستند؟ آیا اضافه کاریهای مفرط توسط دبیران فقط در شهرستان اراک وجود دارد یا اینکه همه معلمین کشور بیش از ۲۴ ساعت موظف هفتگی خود کار می کنند؟

البته همانطور که در اول این نوشتار گفتیم، قصد نداریم آمار استان خاصی را مورد تحلیل قرار دهیم و حتی از این که معاون آموزش استان مرکزی، پیش از فرا رسیدن امتحانات مرداد و شهریور، به فکر تحلیل افتاده اند، باید سپاسگزار بود. ولی نکته مهم آن است که دست به کار شدن، بدون تحقیق، و بدون توجه به سیستمی بودن نظام آموزش و پرورش کشور، عواقب وحشتناکی خواهد داشت.

۳. یک دبیر زیست شناسی از اینستکه مدارس غیرانتفاعی توانسته اند با جذب دانش آموزان مستعد، به ۵۰ درصد قبولی در خردادماه برسند، و ۴۰ درصد از مدارس دولتی پیشی بگیرند. ظاهراً با تأسف سخن می گوید. مگر ۵۰ درصد قبولی چیست که از نوسیدن به

کمک آموزشی و آموزشی را از جمله مشکلات آموزشی در شهرستان اراک دانست. وی گفت: اشتغال دانش آموزان برای تأمین بخشی از هزینه های تحصیل در اوقات فراغت و هنگام تعطیلی طول سال، آنان را از هرگونه فعالیت درسی باز می دارد.

سعید نخعی، دبیر ادبیات، تدریس بعضی از دبیران غیر متخصص در برخی از رشته ها را عامل آفت می داند و می گوید این امر، سبب عدم تفهیم کامل دروس مربوطه به دانش آموزان می شود و در این میان، رضا اکبری، دانش آموزی که از ادامه تحصیل در سال اول دبیرستان خودداری کرده است، می گوید: من در حال حاضر، بی آنکه نیازی به تحصیل داشته باشم، با اشتغال در یک باب نانواپی، روزانه ۷۰۰۰ ریال درآمد دارم!

\*\*\*

حدیث اراک، غمنامه دردناک آموزش کشورمان است و بی آنکه بخواهیم علت آفت کمی آموزش در استان مرکزی را پدیده ای منفرد و متفک از کل آموزش و پرورش ایران تلقی کنیم، به بیان نکاتی می پردازیم که بی شک تعمق در آن ها توسط کارشناسان و مسئولین نظام آموزشی، بلا استفاده نخواهد بود:

۱. در گزارش گفته شده است فقط ۷۴ نفر دانش آموز دبیرستانهای دولتی اراک در خرداد ماه ۷۳ قبول شده اند. باید پرسید: آیا این، پدیده جدیدی است؟ نگاهی به جدول ضمیمه این گفتار، که از آمار دفتر هماهنگی طرحها و توسعه وزارت آموزش و پرورش استخراج شده، نشان می دهد که لااقل در سال تحصیلی گذشته هم، استان مرکزی، وضعیت مطلوبی نداشته است و در ۱۵ پایه تحصیلی از ۲۰ پایه تحصیلی، نسبت به درصد قبولی کل کشور، عملکرد پائین تری داشته است. اراک، مرکز استان محرومی نیست که از حداقل امکانات بی بهره باشد و لااقل نسبت به بسیاری از استانهای محرومتر از جمله سیستان و بلوچستان، ایلام، هرمزگان، کردستان، آذربایجان شرقی و غربی و... سرآمدتر است. سخن اساسی بر سر این است که در نظام آموزشی ما، مبحث «کنترل کیفیت آموزشی» هنوز جا نیفتاده است. ما، همچنان براساس تفکرات سنتی در مدیریت

نوشته: مرتضی مجدفر

## ● کیفیت در هم شکسته آموزش

در امتحانات خرداد ماه سال تحصیلی ۷۳-۷۲، از ۷۱۰ دانش آموز مشغول به تحصیل در سه دبیرستان دولتی شهرستان اراک، فقط ۷۴ نفر قبول شده اند، یعنی اندکی بیشتر از ده درصد. این دانش آموزان در کلاسهای اول تا سوم رشته های علوم تجربی، ریاضی و ادبیات و علوم انسانی در دبیرستانهای مطهری ۲، سهام الملک و شهید مدرس به تحصیل اشتغال داشته اند.

آفت تحصیلی دانش آموزان شهرستان اراک، حتی موجب نگرانی کارشناسان آموزشی این شهرستان شده است. معاون آموزشی اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی، چند شیفته شدن مدارس، کمبود فضای آموزشی و کمبود دبیران متخصص را از جمله دلایل آفت تحصیلی دانسته و همچنین گفته است: انجام اضافه کار توسط کادر آموزشی این اداره کل، موجب خستگی و در نتیجه سبب کاهش بازدهی کار آنان می شود.

مصطفی ملک حسینی، دبیر زیست شناسی دبیرستانهای اراک به خبرنگار خیرگزاری جمهوری اسلامی گفته است: به دلیل جذب دانش آموزان با استعداد و درس خوان در مدارس نمونه و غیرانتفاعی، بازدهی این مدارس، نسبت به مدارس دولتی بیشتر است. از ۱۲۲ دانش آموز مشغول به تحصیل در یک دبیرستان غیر انتفاعی اراک، ۶۹ نفر قبول شده اند. مقایسه این آمار نشان می دهد، میزان قبولی در مدارس دولتی، حدود ده درصد و در مدارس غیر انتفاعی بیش از ۵۰ درصد است.

عزت الله حیدری، یکی دیگر از دبیران اراک، تراکم دانش آموز در کلاس درس و عدم وجود انگیزه تحصیل در تعدادی از دانش آموزان را از دیگر دلایل آفت تحصیلی دانسته است. وی گفته است: براساس استانداردهای موجود، حداکثر تعداد دانش آموز در یک کلاس ۳۷ نفر است، در حالی که تعداد دانش آموزان در بعضی از کلاسها به ۵۵ نفر می رسد. محمد افتخارزاده، دبیر دبیرستان، کمبود وسایل

## حکایت شاگردی که از

## معلم لیسانس خود

## بیشتر حقوق می‌گیرد!

مرز آن متأسف شویم؟! در واقع، اگر هدف تأسیس مدارس غیرانتفاعی این باشد که با قبولی ۵۰ درصد در خردادماه به کار خود ادامه بدهند، باید گفت در حال رفتن به پیراهه هستیم و شاید این مدارس به غیر از ایجاد اماکنی برای سودجویی، کار ویژه آموزشی و خاصی را انجام نمی‌دهند. هدف از راه‌اندازی مدارس غیر انتفاعی، برداشتن باری از دوش دولت، ایجاد امکانات و فرصتهای آموزشی افزون‌تر، ارائه خدمات با کیفیت و اخذ نتایج مطلوب‌تر در امتحانات بود و نتایج امتحانات شهر اراک نشان می‌دهد که لااقل به این هدف آخری دست نیافته‌اند.

۴. یک دبیر دیگر می‌گوید: تراکم دانش‌آموز در کلاسهای درس را عامل افت می‌داند و اعلام می‌کند در حالی که در استانداردهای موجود، سخن از ۳۷ نفر می‌رود، در بعضی از کلاسها تعداد دانش‌آموزان به ۵۵ نفر می‌رسد.

در حالی که سخن این دبیر محترم را می‌پذیریم، اعلام یک نکته آماری و یک رهنمود آموزشی - معماری را خالی از لطف نمی‌دانیم.

در سال تحصیلی ۷۲ - ۱۳۷۳، تعداد ۳۶۵۹۲ دانش‌آموز در ۱۲۶۸ کلاس استان مرکزی مشغول به تحصیل بوده‌اند و تراکم ۲۸/۵ نفر در هر کلاس، حاصل محاسباتی است که نشانگر تراکم پائین دانش‌آموزان در کلاس است.

واقعیت این است که اگرچه ما در بسیاری از مدارس، به ویژه در شهرها، شاهد تراکم بالای دانش‌آموز هستیم ولی در مقایسه سر جمع دانش‌آموزان و تعداد کلاسهای کالبدی در کل کشور، تراکم به شدت پائین است و خود این مطلب، یکی از کشمکشهای همیشگی وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه در تخصیص اعتبار است. ولی نکته مهم چیز دیگری است و باید بپذیریم که مدرسه سازی ما اصولی نیست. به محض اینکه فضای آموزشی خالی و بدون عیب و نقص قانونی و یا حتی با عیب و نقصهای فراوان به دست می‌آوریم، بدون توجه به امکان سنجی محل و مطالعه وضعیت تراکم فراگیران در آن محدوده، اقدام به ساختمان سازی می‌کنیم و این در حالی است که ضریب بهره‌وری از این فضا، حتی تا چند سال آینده نیز به حداکثر و استفاده بهینه نخواهد رسید، و این در همین هنگام، در نقطه و مکان دیگری از شهر، دانش‌آموزان ما در کلاسهای ۵۵ نفره (به قول این دبیر محترم اراکی و شواهد معتبر دیگر) درس می‌خوانند و شاید عامل افت کمی در آموزش هم باشد.

باز نگری مسئولان آموزش و پرورش مناطق و شهرستانها در موقعیت و استقرار واحدهای آموزشی در سطح محدوده مناطق آموزشی و قرار دادن مکانهایی که از امکانات ساختمانی اندکی برخوردار هستند، در برنامه‌های مدرسه سازی، باید جدی گرفته شود.

۵. دانش‌آموزی می‌گوید: «من بی‌آنکه نیازی به تحصیل داشته باشم، با اشتغال در یک باب نانوائی، روزانه ۷۰۰۰ ریال درآمد دارم» و دبیران محترم اظهار می‌دارند: «اشتغال دانش‌آموزان و عدم وجود انگیزه تحصیلی در آنان، عامل افت کمی آموزشی است».

این دانش‌آموز به واقعتهای مهمی اشاره می‌کند: نخست آن که بدون آنکه نیازی به مدارج تحصیلی نظام آموزشی ما داشته باشد، هم‌تراز معلم لیسانس خود با ۱۴ سال سابقه کار (یعنی ۲۱ هزار تومان) حقوق می‌گیرد. دوم این که، او نیازی به آموزشهای مساندارد، در واقع آن چیزی را که ما به او می‌آموزیم، کاربردی نیست و در زندگی روزمره و کسب درآمد به کار او نمی‌آید، یعنی همان چیزی که در نظام آموزشی جدید متوسطه، با نام

کارخانجات و مؤسسات تولیدی، صنعتی و خدماتی اراک و همه شهرهای کشور، اگر چه به طور مستقیم در افت کمی و کیفی آموزش کشور، دخالت ندارند، ولی بی‌تقصیر نیز نیستند. آیا کارخانجات معظم تولیدی این شهر و شهرستانهای دیگر منتظر خارج شدن دانش‌آموزان و هنرآموزان شهر خود از نظام آموزشی هستند تا از آنها بهره بگیرند؟ به طور یقین دانش‌آموزگانی که سواد کاربردی ندارند و اطلاعات آنها نیز به محض فراغت از تحصیل، مضمحل و فرسوده است، نمی‌توانند کارخانجات ما را در توسعه اقتصادی یاری دهند و دخالتهای متعدد به صورتهایی از قبیل سرمایه‌گذاری و اعطای کمکهای بلاعوض در راه اندازی هنرستانهای جوار کارخانه و کشاندن دانش‌آموزان از دروس نظری محض که کتکش چندانی برای آنها ندارد، به دروس فنی و حرفه‌ای، و نیز همکاری مستمر با آموزش و پرورش از روشهایی است که موسسات تولیدی و صنعتی و خدماتی ما در شهرهای مختلف، حتماً باید به آن سوی، کشیده شوند.



دکار و دانش، توجه ویژه‌ای به آن شده است. اشتغال دانش‌آموز فی‌النفسه مذموم نیست، بلکه باید هدایت شود و حتی برای او درآمد زا شود و در کنار همه آنها، آموزش نیز باشد.

عدم وجود انگیزه تحصیلی در بین دانش‌آموزان، به دلیل آن است که اهل علم و معرفت و دانش‌آموختگان فرهیخته کشور ما، لاف از ارج و قرب مادی برخوردار نیستند. توجه مادی و معنوی به معلم و مدیر دانش‌آموز نانوائی ما، به طوری که مجبور نشود بیش از ۲۴ ساعت موظف و حتی در رشته غیر تخصصی خود به تدریس بپردازد، باعث خواهد شد، در او نیز انگیزه قوی برای درس خواندن ایجاد شود.

۶. اراک، شهر ثروتمندی است و کارخانجات صنعتی متعدد، این شهر را به سومین قطب صنعتی کشور، بعد از تهران و تبریز تبدیل کرده است.

### ● «تک ماده»، «دو ماده» شد!

در خیر آمده بود که شورای عالی آموزش و پرورش در چهارصد و هشتاد و نهمین جلسه خود، شرایط جدید قبولی در دوره راهنمایی را تصویب کرده است. بر اساس این مصوبه، دانش‌آموزانی که معدل کل آنها حداقل ۱۲ باشد، در دو درس نمره بین هفت تا ده کسب کنند، قبول شناخته می‌شوند. به موجب این مصوبه، تبصره یک ماده ۱۸ آئین‌نامه امتحانات دوره

# «تک ماده» را فراموش کنید، «دو ماده» را بخاطر بسپارید!

راهنمایی تحصیلی اصلاح خواهد شد و از این به بعد و دقیقاً از امتحانات کلاسهای جبرانی مرداد ۷۳ و نیز امتحانات شهریور ماه سال جاری، دانش آموزان خواهند توانست از این مزیت استفاده کنند. به عبارتی دیگر، اصطلاح معروف «تک ماده» دیگر باید فراموش شود، و از این به بعد، باید شاهد اصطلاح «دو ماده» باشیم.

صدور مجوز جدید از سوی شورای عالی آموزش و پرورش برای قبولی دانش آموزان دوره راهنمایی، اگر چه ممکن است در وهله اول مورد خوشایند خانواده‌ها، دانش آموزان و حتی بعضی فرهنگیان و مدیران محترم مدارس نیز قرار گیرد، ولی باید اعتراف کرد که اکنون ضربه دیگری بر آموزش و کیفیت آموزشی در کشور نواخته شده است که صدای آن چند سال دیگر، بعد از فراغت از تحصیل دانش آموختگان فعلی و در هنگام ورود این افراد به دانشگاه (!) و یا بازار کار به گوش خواهد رسید.

فدا شدن کیفیت در مقابل کمیت، و تأکید صرف بر افزایش نرخ گذر تحصیلی از زمانی شروع شد که وزارت آموزش و پرورش خیل عظیم دانش آموزان آماده ورود به مدارس و واجب‌التعلیم را همراه با فضاهای آموزشی چند نوبته به صورت معضلی بزرگ لمس کرد. همچنین تعداد انبوه تکرار کنندگان پایه‌های تحصیلی، دلیلی شد تا در تقابل کیفیت و کمیت آموزشی، کفه ترازو به سوی برتری کمیت بچرخد. هر چند مشکل تکرار پایه، معضلی است که مجموعه نظام آموزشی، با انتخاب سیستم «نظام سالی» و «قبولی بر اساس قانون همه یا هیچ!» پدید آورده، ولی باید پذیرفت که مشکلات دیگر از جمله کتابهای درسی و برخی اطلاعات مستعمل آنها، روشهای تدریس قدیمی و غیر کارآمد، مدارس چند نوبته، معلمان غیر متخصص و بسیار موارد دیگر نیز مهم بوده است.

تسهیل شرایط قبولی و در مقابل پذیرش ورود دانش آموزانی با اطلاعات اندک و هدفهای رفتاری تحقق نیافته به پایه‌های بالاتر، از سال ۱۳۶۷ و امتحانات شهریور ماه همان سال شروع شد. وقتی وزارت آموزش و پرورش، میزان اندک قبولی‌ها در شهریور ۶۶ را به دلیل موشک‌باران شهرها در جنگ تحمیلی مشاهده کرد، رای

برگزاری امتحانی مجدد، در مه‌ماه همان سال را صادر کرد؛ اما متأسفانه این روند در سالهای بعد نیز تکرار شد. در تابستان ۶۸ آئین نامه جدید امتحانات دوره‌های تحصیلی سه‌گانه با شرایط ویژه‌ای طراحی و تدوین شد.

از ویژگیهای این آئین نامه امتحانات، قرار دادن نمره شفاهی در کنار دروس مختلف دوره ابتدایی تا کلاس چهارم بود، که گرچه جنبه علمی و آموزشی داشت، اما هم اکنون به صورت مسئله‌ای جدید درآمده است و معلمان بیش از آنکه از نمره شفاهی برای محک زدن به تواناییهای کلامی، قدرت و خلاقیت ذهنی، سرعت و افزایش قدرت ابراز شخصیت و اجتماعی بودن دانش آموزان استفاده کنند، از آن به عنوان کمکی برای جبران نمرات کتبی دانش آموزان و رساندن نمره به مرز قبولی استفاده می‌کنند.

دلیل این امر آن است که گرچه اجرای این بند از آئین نامه امتحانات، هم اکنون باعث بالا رفتن میزان قبولی کلاسهای اول تا چهارم دروس شده، اما سطح نمرات دروس کلاسهای پنجم که نمره شفاهی ندارند، به مراتب پائین تر است.

چند تحقیق دانشگاهی نیز، وجود چنین مشکلی را ردیابی و اثبات کرده است.

ویژگی دیگری که در آئین نامه‌های امتحانات مصوب سال ۶۸ مشاهده می‌کنیم، اختصاص استفاده از تک ماده در دروس ادبیات فارسی، انشاء، دیکته، دینی و قرآن است. طی قریب به یکصد سال عمر تعلیم و تربیت مدرن در کشورمان، هیچگاه اجازه تک ماده به این دروس داده نشده بود و همواره دلایل منطقی و محکمی نیز به این منظور اقامه می‌شد. دانش آموزی که میراث ادبی کشور خود را نشناسد و قادر به نوشتن متنی چند خطی و املاء و مکتوبی کوتاه نباشد، چگونه می‌توان بر او نام فریخته گذاشت. حتی قبول کردن این که دانش آموز با اخذ نمره ده در این دروس (یعنی رسیدن به لااقل پنجاه درصد از هدفهای رفتاری کتابهای درسی خود) از پایه تحصیلی مربوط گذر کند، سخت است، چه برسد به اینکه راضی شویم این نمره تا مرز ۷ که تنها تحقق ۳۵ درصد از هدفهاست نیز، تقلیل یابد. در مورد درس دینی و قرآن هم که وضع از لحاظ سیاسی - اجتماعی و مذهبی مشخص است و اصلاً پسندیده نیست که در این دو درس، تک ماده داشته باشیم. تصویب این بند از آئین نامه امتحانات نیز، ضربه دیگری بر پیکره کیفیت آموزشی و افزایش بی‌رویه قبولی بود، که همواره جای تعمق فراوانی را طلبیده و هم اکنون نیز می‌طلبد.

نکته هشدار دهنده دیگر در کاهش کیفیت آموزشی، با به صدا در آمدن زنگ کلاسهای جبرانی تابستانی، شروع می‌شود. آموزشهای جبرانی در کلیه کشورهای جهان، اصل پسندیده و مورد قبولی است و معمولاً همه، آن را برای آن گروه از دانش آموختگانی که نتوانسته‌اند به میزان قابل قبولی از انتظارات آموزشی

برسند، راه‌اندازی می‌کنند. ولی اعطای یک نوبت حق شرکت در امتحانات به شرکت‌کنندگان در کلاسهای تجدیدی - جبرانی، که در مردادماه سالهای ۷۱ و ۷۲ اجرا شده و امسال نیز اجرا شد، از مواردی است که فقط در نظام تعلیم و تربیت ما پیدا می‌شود و نتیجه نیز مشخص است؛ در گزارش دکتر نجفی خطاب به ریاست جمهوری در مورد اجرای کلاسهای جبرانی در تابستان ۷۱، آمده است که این کلاسها از مردود شدن قریب به ۷۵۰ هزار نفر و از هزینه شدن ۹۸ میلیارد ریال اعتبار برای آموزش مجدد این مردودشدگان جلوگیری به عمل آورده است؛ ولی تحقیقات دانشگاهی مختلف در همین یکی دو سال گذشته نشان داده است که قبول شدگان مرداد ماه، در خردادماه سال بعد، با ضریب بالایی مجدداً تجدیدی شده‌اند و این نشانگر آن است که علاوه بر کیفیت، حتی کمیت نیز آسیب دیده است.

کاهش کیفیت آموزشی، لایه‌های مختلفی دارد که هرچه در آنها فروتر می‌رویم، عمق آن آشکارتر می‌شود.

پایه تحصیلی	درصد قبولی استان مرکزی اراک	درصد قبولی کل کشور
اول ابتدایی	۸۷/۴	۸۸/۹
دوم ابتدایی	۹۲/۴	۹۲/۰۰
سوم ابتدایی	۹۴/۹	۹۵/۰۳
چهارم ابتدایی	۹۰/۰۰	۹۱/۵
پنجم ابتدایی	۸۲/۶	۸۸/۳
اول راهنمایی	۶۳/۸	۸۱/۰۸
دوم راهنمایی	۸۱/۰۸	۸۱/۰۹
سوم راهنمایی	۷۷/۰۷	۸۱/۰۳
اول انسانی	۵۹/۴	۶۳/۹
اول تجربی	۶۸/۰۳	۷۳/۶
دوم تجربی	۸۵/۲	۸۷/۶
دوم ریاضی	۸۲/۳	۸۶/۳
دوم انسانی	۸۷/۰۴	۸۸/۲
سوم تجربی	۹۰/۲	۸۷/۲
سوم انسانی	۸۸/۹	۹۲/۰۰
سوم ریاضی	۸۸/۹	۸۸/۲
چهارم ریاضی	۵۹/۶	۶۱/۵
چهارم تجربی	۵۰/۱	۵۱/۹
چهارم فرهنگ و ادب	۷۲/۰۰	۶۶/۷
چهارم اقتصاد اجتماعی	۵۸/۱	۵۷/۰۰

جدول مقایسه درصد قبولی ۲۰ پایه تحصیلی استان مرکزی وکل کشور در سال تحصیلی ۷۲-۱۳۷۱